

محمد علی مهدوی راد

قسمت اول

بخش عظیمی از نگاشته‌ها و آثاری که در آستانه قرآن سامان یافته است، در فرهنگ اسلامی به علوم قرآنی شهره‌اند. اکنون بنگریم عالمان و قرآن‌پژوهان از علوم قرآنی چه دانشها و چگونه آگاهی‌هایی را مراد می‌کنند؛ و نگارش این آثار چگونه آغاز شد و سیر و تحول آن چه سان بوده است. برخی از محققان در تعریف علوم قرآنی آورده‌اند:

«این علوم در نگاه آنان (قرآن‌پژوهان) مجموعه‌ای از مسائل را شامل می‌شود که درباره قرآن کریم بحث می‌کنند مانند: نزول قرآن، کتابت آن، ترتیب آیات در مصاحف، ویژگیها و اهداف قرآن، ناسخ و منسوخ قرآن و ...»^۱

عبدالعظیم زرقانی در اثر سودمندش: مناهل العرفان، علوم قرآنی را بدین گونه تعریف کرده است:

«علوم قرآنی مباحثی است متعلق به قرآن کریم، مانند نزول قرآن، جمع و کتابت آن، قرائت و تفسیر آن، اعجاز و ناسخ و منسوخ و ...»^۲

نویسنده‌ای دیگر در تعریف آن نوشته است:

«بحثهای مهم و کلی متعلق به قرآن کریم را علوم قرآنی توان نامید، که هر کدام از عناوین آن ممکن است دانش مستقلی را شکل دهد.»^۳

قرآن پژوه سختکوش و پرکار مصری دکتر محمد سالم محیسن نوشته‌اند:

«مباحث متعلق به قرآن از قبیل؛ نزول قرآن، مبدء، کیفیت، مکان و مدت آن، جمع قرآن و کتابت آن در عصر پیامبر و پس از آن، اعجاز قرآن و مانند ناپذیری آن، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، سوگندها، امثال، ترتیب و تناسب سوره‌ها، ترتیل و آداء آیات و... از جمله علوم قرآنی است.»^۴

با توجه به آنچه آوردیم روشن است که، علوم قرآنی بر روی هم دانشهایی را شامل خواهد بود که مباحث کلی شناخت قرآن را تبیین کند و پرسشهای گونه‌گون متعلق به قرآن و چگونگی آن را پاسخ گوید؛ که به گونه‌ای می‌توان از آنها به پیشیناز تفسیر و شناخت قرآن یاد کرد. از این روی هرگز نمی‌توان عناوین این مباحث را محدود تلقی کرد؛ و بر این باور بود که آگاهیهای محدود و معین و ثابتی داخل در حوزه علوم قرآنی است و نه جز آن. به مثل یکی، دو دهه پیش پرسشی جدی درباره قصه‌ها، نقلها و گزارشهای قرآنی مطرح شد؛ که این همه نقل، عینی، دقیق و تابع رخدادها در گذرگاه زمان است و یا نه؟ در مصر عالمانی بر این باور بودند که بسیاری از این گزارشها و نقلها و قصه‌ها سمبلیک است و پرداخته شده است، برای آن که از آن بهره اخلاقی، تربیتی و... گرفته شود. مانند بسیاری از داستانها و قصه‌ها در فرهنگ بشری.^۵

استاد شهید مرتضی مطهری؛ به هنگام بحث از سیره نبوی در ضمن خطابه‌ای، به گونه‌ای گذرا از این دیدگاه یاد کرده و فرموده‌اند:

«بعضی‌ها راجع به بعضی از قصص قرآن گفته‌اند: که قرآن هدفش مقدس است، قصص را نقل می‌کند برای پند عبرت گرفتن؛ قرآن که کتاب تاریخ نیست که بخواهد وقایع نگاری بکند، وقایع را قرآن برای پندها ذکر می‌کند و...»

استاد این کلام را توضیح می‌دهند؛ و آن گاه می‌گویند:

«ولی این حرف، بسیار حرف مفتی است، محال است که انبیاء، در منطق نبوت، برای یک حقیقت (العیاذ بالله) یک امر واقع نشده و یک دروغ را ولو به صورت تمثیل بیان کند.»^۶

به هر حال این چگونگی، افزون بر مطالب بسیاری دیگر در باب قصه و قصه‌های قرآنی از جمله بحثهای سودمند و جدی علوم قرآنی است.

اکنون یکی از بحثهای مهم و جدی در ساحت مسائل کلامی (کلام جدید) زبان دین است؛ و مآلاً زبان قرآن؛ که این زبان چگونه زبانی است، زبان عرفی است و یا زبان علمی و فنی؟. پیوند علم و قرآن؛ و چگونگی تفسیرهای علمی، روایی و ناروایی نگرش علمی به قرآن و... مسائل دیگری از این دست، می‌تواند در حوزه مسائل علوم قرآنی قرار گیرد.

یادآوری کنم که گاهی پیشینیان از عنوان «علوم قرآن» دانشهای قرآنی را مراد می کردند، یعنی علمی که در آیات الهی است و دانشهایی که از قرآن می توان بهره گرفت. از ابی بکر محمد بن عبدالله عربی نقل کرده اند که:

«۷۷۴۵۰ دانش در قرآن است، و این عدد را باید ضرب در چهار کرد، تا ابعاد علوم قرآنی به دست آید، چون هر کلمه ای ظاهری دارد و باطنی، حدی و مطلعی و ...»^۷
این گشاده دستی در تعیین مصداق علوم قرآن (بدین معنی) را سیوطی هم دارد و برخی دیگر از عالمان^۸.

اکنون باید یادآوری کنم که جای این بحث (چنان که اشاره رفت) در بحث اندیشه برانگیز رابطه علم و قرآن است که باید گفته آید در مقامی دیگری.

این را نیز بیفزایم که تعریفهای یاد شده از علوم قرآنی تا حدودی نشانگر آن چیزی است که پیشینیان در تعریف علم می گفتند و تأکید می ورزیدند که «موضوعات و مسائل» علم نباید از تعریف آن بیرون باشد و موضوع علم را بحث از عوارض ذاتی و اصلی آن تلقی می کردند، بنابراین علوم قرآنی دانشهایی را خواهد گرفت که به گونه ای مستقیم درباره قرآن و چگونگی های آن بحث کند. روانشاد دکتر محمد رضا صالحی کرمانی با توجه به این نکته در تعریف علوم قرآنی نوشته اند:

«علوم قرآنی، علمی هستند که درباره حالات و عوارض ذاتی و اختصاصی «قرآن کریم» بحث کرده و موضوع در تمامی آنها قرآن است.» (درآمدی بر علوم قرآنی/ ۱۸)

در پایان این نگاه گذرا به علوم قرآنی و چگونگی محدوده آن باید بگوئیم که برخی از عالمان دریافتن تعریفی جامع و مانع از علوم و عناوین تردید روا داشته اند. و به دیگر سخن، تعریف مانع و جامع را از دانشها و عناوین ممکن ندانسته اند و از این رو برخی از آن بزرگواران تنبّه داده اند که این تعریفها غالباً «شرح الأسم» است.

فقیه و اصولی دقیق النظر، آخوند خراسانی، رضوان الله علیه، پس از آنکه تعاریف اصولیان درباره «مفهوم» را گزارش می کند، می نویسد:

«درباره این تعریف عالمان سخن بسیار گفته و فراوان درباره آن نقض و ابرام روا داشته اند، با این که اینگونه بحثها را مجالی نیست و چنانکه ما بارها اشاره کرده ایم این تعریف مانند شرح نامها و تفسیر واژه هاست و نه فراتر از آن.»^۹

بنابراین نباید انتظار داشت که تعاریف یاد شده دقیقاً جامع و مانع باشند، بلکه توان گفت اینها تا حدودی ابعاد علوم قرآنی و محدوده آنرا روشنگرند.

پیشینه نگاه‌ها به علوم قرآنی

اندیشیدن مسلمانان در ابعاد مختلف قرآن زمینه نگارش‌های گونه‌گونی را پدید آورد. اگر بحث و گفت‌گو در واژه‌ها و کلمات دشوار باب قرآن را از علوم قرآنی بدانیم و مجموعه‌هایی با عنوان «غریب القرآن»، «لغات القرآن» را در این رده وارد کنیم، پیشینه آثار علوم قرآنی بسی کهن خواهد بود. سیوطی عنوان یاد شده را یکی از عناوین علوم قرآنی دانسته.^{۱۰} و نیز بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی^{۱۱} از سوی دیگر اگر برخی از آنچه را در این زمینه به ابن عباس نسبت می‌دهند، آثاری مدوّن تلقی کنیم، باید پیشینه این گونه آثار را در دوره صحابه جستجو کنیم. ابن ندیم کتابی در نزول قرآن به ابن عباس نسبت می‌دهد که آنرا عکرمه روایت کرده است.^{۱۲}

فؤاد سزگین در علوم قرآنی کتابهای ذیل را به ابن عباس نسبت داده است:

۱. غریب القرآن ۲. مسائل نافع بن الازرق ۳. اللغات فی القرآن ۱۳.

۱. غریب القرآن به تہذیب و روایت عطاء بن ابی رباح (م ۱۱۴ هـ) و نیز روایت علی بن ابی طلحه (م ۱۴۳ هـ) در اختیار است. سیوطی این مجموعه را در «الأتقان» نقل کرده؛ و یادآوری کرده است، که طریق علی بن ابی طلحه استوارترین طریق نقل از ابن عباس است.^{۱۴} از کلام سیوطی چنین بر می‌آید که محمد بن اسماعیل بخاری نیز تمام این مجموعه را در کتابش آورده است. اما ظاهراً آنچه را بخاری نقل کرده است گزینشی است از روایت ابی طلحه.^{۱۵}

آقای دکتر احمد بولوط اثری با عنوان «کتاب غریب القرآن»^{۱۶}، از ابن عباس با تحقیق و تعلیق منتشر کرده است که همان «اللغات فی القرآن» است و پس از این، از آن سخن خواهیم گفت.

۲. مسائل نافع بن الازرق

نافع بن ازرق^{۱۷} درباره واژه‌هایی از آیات الهی از ابن عباس سئوال می‌کند و از او می‌خواهد که معنایی را که برای واژه بیان می‌کند به شعر شاعران مستند کند؛ و ابن عباس سئوالهای وی را بدان گونه که می‌خواسته پاسخ می‌گوید. این مجموعه با طرق مختلف و با اختلافها، کاستیها و افزونیهایی در منابع حدیثی و ادبی نقل شده است.^{۱۸} اما به روشنی نمی‌توان داوری کرد که چه مقدار از این مسائل مورد گفت و گو قرار گرفته و در چند جلسه بحث شده و چگونه گزارش و نقل گردیده است. به هر حال این مجموعه به لحاظ تاریخی، واژه‌شناسی و پیشینه بحثهایی از این دست، قابل تأمل است. محقق و محدث عالیقدر

مصری محمد فؤاد عبدالباقی، این مجموعه را بر اساس حروف الفبا تنظیم کرده و در پایان کتاب معجم غریب القرآن چاپ کرده است. خانم دکتر عایشه بنت الشاطی نیز این مجموعه را بر اساس «الأتقان» سیوطی، در پایان اثر ارجمندش «الأعجاز البیانی للقرآن»^{۱۹} آورده است. خانم بنت الشاطی در ضمن مقدمه ای عالمانه از اهمیت این مجموعه سخن گفته و آن گاه متن منقح مسائل را عرضه کرده است. وی پس از گزارش متن مسأله با توضیحاتی عالمانه و سودمند چگونگی تبیین لغوی ابن عباس را باز گفته و موارد کاربرد واژه در قرآن را گزارش کرده است. و بالأخره باید از تحقیق جدید و سودمند و کارآمدی از این مجموعه یاد کنیم، با عنوان «مسائل نافع بن الأزرق عن عبدالله بن العباس».^{۲۰}

در این چاپ، محقق کتاب مجموعه روایات این مسائل را یک جا گرد آورده است که بر روی هم به ۲۸۶ مسأله رسیده است. محقق کتاب با تلاشی ستودنی و دقتی شایان تقدیر، متن سؤال و جواب ابن عباس را نقل می کند و آن گاه نقلهای برگزیده از نسخه ها را با متون کهن تفسیری و حدیثی مقارنه می کند و اشعار مستشهد را منبع یابی کرده، چگونگی آنها را بیان می کند. مقدمه عالمانه وی درباره این مسائل، نسخه ها و پیشینه نقلهای آن نیز خواندنی و سودمند است.

۳. اللغات فی القرآن

از این مجموعه در منابع کتابشناسی و شرح حال نگاری با عناوین «لغة القرآن»، «لغات القبائل الواردة فی القرآن الکریم» یاد شده است. محقق نامور عرب، صلاح الدین المنجد، این مجموعه را بر اساس روایت عبدالله بن الحسین السامر بن حسنون (م ۳۸۶هـ) تحقیق کرده و به سال ۱۳۶۶ نشر داده است.

آقای دکتر عبدالحمید سید طلب استاد دانشگاه کویت بر این باور است که چاپ آقای منجد دارای کاستیهایی است که کتاب را یکسر از کارآمدی انداخته است، و از سوی دیگر روایت ابی عبید قاسم بن سلام را از آن کامل تر و شامل تر دانسته است، از این روی به تحقیق، تصحیح و تعلیق این مجموعه بر اساس روایت ابن سلام پرداخته و جای جای متن را با روایت ابن حسنون سنجیده و موارد اختلاف را باز گفته است.^{۲۱} وی افزون بر آنچه یاد شد، به تفصیل، معنا و چگونگی واژه یاد شده را در کتابهای لغت و نیز آراء مفسران پی گیری کرده و پیشینه نقل واژه و تأثیر و تأثر مفسران از این مجموعه را نمایانده است و با فهارس بسیار سودمند و کارآمدی که بر کتاب تنظیم کرده است، دستیابی به مطالب آن را بسیار سهل کرده است. این مجموعه نیز اثری است فخیم و در پژوهشهای قرآنی بویژه در

شناخت واژه‌های دخیل، بسی سودمند و کارآمد.

باری، اگر آنچه را یاد کردیم آثار مدون تلقی کنیم، پیشینه نگارشهای علوم قرآنی را دوره صحابه باید بدانیم و اگر چنان که برخی از محققان گفته‌اند^{۲۲}، این مجموعه‌ها را گفتارهایی پراکنده بدانیم که راویان از سخن وی گردآورده‌اند. باید به منابع و مصادر مراجعه کنیم و آغازین اثر، در این باره را بیابیم.

اگر از آنچه یاد شد بگذریم، به کهن‌ترین اثری که بر می‌خوریم کتابی است با عنوان «کتاب فی القرائه» از یحیی بن یعمر (م ۸۹ یا ۹۰)^{۲۳}. وی این کتاب را در «واسط» نوشته و در آن اختلافات مصاحف مشهور را ضبط کرده است، کتاب یحیی بن یعمر تا قرن چهارم، بنیادی‌ترین سرچشمه شناخت قرائتها بوده است.^{۲۴}

در قرن دوم هجری محدث و مفسر معروف، حسن بصری (م ۱۱۰) نیز درباره نزول قرآن و شمارش آیات قرآن، کتابهای «نزول القرآن» و «عدد آی القرآن» را نگاشت^{۲۵}. پس از وی از عبدالله بن عامر یحصبی (م ۱۱۸)^{۲۶} باید نام برد که کتاب «اختلاف مصاحف الشام و الحجاز و العراق» و «المقطوع والموصول» را نگاشت. در کتاب اول از اختلافها و چگونگی مصحف‌های شام و حجاز و عراق سخن گفت و در کتاب دوم از وقف و وصل در آیات.^{۲۷} به زید بن علی چهره خونین و منور تشیع که به سال ۱۲۲ شهد شهادت نوشیده است، کتابی نسبت داده‌اند با عنوان «القرائه». می‌دانیم که زید بن علی مفسری بزرگ، فقیهی نامدار و محدثی جلیل‌القدر بود. آگاهیهای او از تفسیر و دانشهای قرآنی و قرائت بس عظیم بود. در برخی از منابع آمده است که:

«او در بسیاری از علوم قرآنی متضلع بود، از جمله وجوه قرائت، که در این باب قرائتی ویژه دارد.»^{۲۸} قرائت زید را نخست «عمر بن موسی و جیهی» از معاصران زید مدون کرد و نشر داد. این کتاب قرن‌ها در اختیار محققان و قرآن پژوهان بوده است.^{۲۹} اقوال زید بن علی در قرائت، در تفاسیر قرآن بویژه تفسیرهایی که به قرائت توجه ویژه‌ای داشته‌اند، مانند «بحرالمحیط» پراکنده است.^{۳۰} افزون بر این باید از اثر جلیل وی با عنوان «تفسیر غریب القرآن» یاد کرد. آقای دکتر حسن حکیم پس از آنکه مدون بودن آنچه به ابن عباس نسبت داده‌اند را مورد تردید قرار می‌دهد، بر این نکته تأکید می‌ورزد که اولین اثری که در «غریب القرآن» نگاشته شده است، کتاب زید است؛ و آنچه در برخی از مصادر آمده است که اولین اثر را در این باره ابان بن تغلب سامان داده است استوار نیست، چرا که ابان به سال ۱۴۱ زندگی را بدرود گفته است و زید به سال ۱۲۰ شهید شده است.^{۳۱} غریب القرآن را دو تن از

محققان تحقیق و تصحیح کرده اند و در ایران و لبنان نشر یافته است. ۳۲. محمد بن مسلم ... ابن شهاب زهری از محدثان و فقیهان قرن دوم هجری نیز رساله ای نگاشته است کوتاه با عنوان «تنزیل القرآن بمکه والمدینه». این رساله را نخست بار صلاح الدین منجد تحقیق کرد که به سال ۱۳۸۳ نشر یافت. آن گاه دکتر حاتم صالح ضامن به تحقیق آن همت گماشت و در شماره های ۲ و ۳ جلد هشتم «مجله علمی العراقي» منتشر کرد. ۳۳.

به محمد بن شهاب رساله ای با عنوان «الناسخ و المنسوخ فی القرآن» نیز نسبت داده اند. این رساله را نیز، دکتر حاتم ضامن تحقیق کرده و در شماره ۲ و ۳ مجلد ۳۸ مجله یاد شده چاپ کرده است. ۳۴.

أبو محمد اسماعیل بن عبدالرحمن سدی (م ۱۲۸) (سدی کبیر) از مفسران و محدثان قرن دوم هجری که اقوال و آرائش در تفسیر جایگاه شایسته ای دارد، کتابی پرداخته است با عنوان «الناسخ و المنسوخ». ابن جوزی از این کتاب یاد کرده و از شیوه نگارش آن انتقاد کرده است. ۳۵.

عطاء بن ابي مسلم میسرة الخراسانی (م ۱۳۵) از مفسران، محدثان و واعظان، نیز افزون بر تفسیر، رساله ای در ناسخ و منسوخ داشته است. ۳۶ سزگین بر این باور است که نقلهایی از این مجموعه در تفسیرها و آثار قرآنی متأخران بر جای مانده است. ۳۷.

اکنون باید از مفسر، عالم، محدث بزرگ و جلیل القدر شیعه أبان بن تغلب (م ۱۴۱) یاد کرد، با دو اثر قرآنی «غریب القرآن» و کتابی در قرائت. شیخ طوسی رضوان الله علیه از غریب القرآن وی یاد کرده می نویسد:

«کتابی در تبیین واژه های دشواریاب در قرآن نگاشت و شواهد آن را از شعر آورد. ۳۸»
نجاشی رضوان الله علیه نوشته است:

«أبان (که بیکران رحمت الهی بر او باد) در تمام فنون از دانش: در قرآن، فقه، حدیث، آدب، لغت و نحو پیشتاز بود، کتابهایی نگاشت از جمله «تفسیر غریب القرآن» و «کتاب الفضائل». ۳۹.

او را در قرائت قرآن نیز به جایگاه بلند و آگاهیهای گسترده ستوده اند ۴۰، ابن ندیم می نویسد:

«أبان بن تغلب کتابهایی دارد... از جمله آنهاست... کتاب القرائت. ۴۱»

در برخی از منابع از جمله، الفهرست ابن ندیم به أبان بن تغلب «معانی القرآن» نسبت

داده اند که با توجه به چگونگی های «معانی القرآن»ها باید همان «تفسیر غریب القرآن» باشد. پس از این، بدین نکته اشاره خواهیم کرد.

محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶)، از مفسران، تبارشناسان و مورخان که او را آغازگر تدوین در «احکام القرآن» دانسته اند، کتابی پرداخته است در «ناسخ و منسوخ در قرآن» که ابن ندیم از آن یاد کرده است.^{۴۲}

مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰) از مفسران، محدثان و فقیهانی است که در آستانه قرآن آثاری سامان داده است و در علوم قرآنی، برخی از نگاشته هایش بلند آوازه است. در علوم قرآنی کتابهای «اللغات فی القرآن»، «الجوابات فی القرآن»، «الناسخ و المنسوخ فی القرآن»، «الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم» و «الآیات المتشابهات» را به وی نسبت داده اند.^{۴۳} دکتر عبدالله محمود شحاته؛ که کتاب الوجوه و النظائر وی را تحقیق کرده و با عنوان «الأشبهاء و النظائر» نشر داده است، احتمال می دهد که «الآیات المتشابهات» عنوان دیگر همان «الوجوه و النظائر» باشد.^{۴۴}

الأشبهاء و النظائر از کهن ترین آثاری است که در این زمینه نگاشته شده است. چنان که یاد کردیم این اثر را آقای شحاته تحقیق کرده اند. وی افزون بر تحقیق عالمانه متن؛ مقدمه دراز دامن و سودمندی درباره مقاتل و آثار وی نگاشته است.^{۴۵}

ابو عمر بن علاء زیان بن عمار تمیمی (م ۱۵۴) که از قراء سبعة است، و در میان آنان به کثرت استادان و مشایخ قرائت مشهور است، او نیز در این زمینه آثاری دارد. کتابی با عنوان «الوقف و الأبتداء» و کتابی دیگر با عنوان «کتاب القرائت» بدو نسبت داده اند.^{۴۷}

به حمزة بن حبیب (م ۱۵۶) یکی دیگران از قاریان هفتگانه، نیز کتابهایی در علوم قرآنی نسبت داده اند مانند: «القراءة»، «متشابه القرآن» و «المقطوع و الموصول فی القرآن» کتاب «اسباع القرآن» و «کتاب حدود آی القرآن». ^{۴۸} حمزة بن حبیب از اصحاب امام صادق (ع) و از قاریان شیعه است، او قرآن را بر امام صادق (ع) و گروهی از قاریان، سلیمان بن مهران اعمش، حمران بن اعین و ... قرائت کرده است.^{۴۹}

موسی بن هارون (م حدود ۱۷۰) از شاگردان ابان تغلب، کتابی نگاشته است با عنوان «الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم» که اکنون در اختیار است و آقای دکتر حاتم صالح الضامن آن را تحقیق و تصحیح کرده است، تحقیق آقای ضامن عالمانه است. وی کتاب را بر پایه دو نسخه مقابله و تصحیح کرده و در پانوشتها متن را با نقلهایی که کتابهای دیگر از وی گرفته اند سنجیده و فهرس سودمند و کارآمدی بدان افزوده است.^{۵۰}

در سالهای پایانی قرن دوم باید از علی بن حمزه کسائی یاد کنیم، عالم، ادیب، قاری و نحوی بلند آوازه و یکی از قرآء سبعة با کتابهای «معانی القرآن»، «القرآآت» و «ما اشتبه من لفظ القرآن و تناظر من کلمات الفرقان»، «کتاب مقطوع القرآن و موصوله»، «کتاب الهات المکنی بها فی القرآن»^{۵۱} آنچه تا بدین جا آوردیم، آثار نگاشته شده در علوم قرآنی بود در سالهای پایانی قرن اول و قرن دوم، با تأکید بر اینکه این نگرش و نگارش گذرا است و ادعای استقصاء را ندارد، ادامه بحث را به شماره بعد وا می نهمیم.

۱. «مباحث فی علوم القرآن»، صبحی صالح/ ۱۰.
۲. «مناهل العرفان فی علوم القرآن»، ج ۱/ ۲۰.
۳. «فتون الأفنان فی عیون علوم القرآن»، ۷۱/.
۴. «فی رحاب القرآن»، ج ۲/ ۸.
۵. محمد احمد خلف الله از دانشمندان مصری، بر این باور بود. وی کتابی نگاشت با عنوان «الفن القصصی فی القرآن الکریم» در تبیین و توضیح این دیدگاه، که عالمان مصری در نقد دیدگاههای وی آثاری نگاشته اند.
۶. «سیری در سیره نبوی»/ ۱۲۴-۱۲۳.
۷. «مناهل العرفان»، ج ۱/ ۱۶.
۸. بنگرید به: «الأتقان»، ج ۴/ ۲۸، «جواهر القرآن»/ ۳۰-۲۱، «ترجمه آن»/ ۳۸ به بعد؛ و نیز بنگرید به: «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان»/ ۱۴۶ به بعد؛ «الأمام الحکیم فخرالدین الرازی من خلال تفسیره»/ ۱۳۳ به بعد.
۹. «کفایة الأصول»/ ۱۹۳، چاپ مؤسسه آل البيت لأحیاء التراث، قم.
۱۰. «الأتقان فی علوم القرآن»، ج ۴/ ۲۳۱.
۱۱. «البرهان فی علوم القرآن»، ج ۱/ ۳۶۵.
۱۲. «الفهرست»/ ۴۰، چاپ رضا تجدّد.
۱۳. «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۶۸-۶۷.
۱۴. «الأتقان»، ج ۲/ ۶-۶۶.
۱۵. «معجم غریب القرآن»، مستخرجا من صحیح البخاری (مقدمه).
۱۶. «کتاب غریب القرآن»، عبدالله بن عباس، حقیقه و قدّم له، احمد بولوط قاهره، مکتبه الزهراء، ۱۴۱۳.
۱۷. ابوراشد نافع بن ازرق، خارجی، حروری (۶۵هـ) پیشوای گروهی از خوارج که به «ازارقه» مشهورند. ر. ک: «شرح ابن ابی الحدید»، ج ۲/ ۱۳۶، «فرهنگ فرق اسلام»/ ۴۴، «بحوث فی الملل والنحل»، ج ۵/ ۱۷۷.
۱۸. ر. ک: «المعجم الكبير» الطبرانی، ج ۱۰/ ۳۰۴، «مجمع الزوائد»، ج ۶/ ۳۰۳، «ایضاح الوقف

- والابتداء» ج ۱/ ۷۸، «الكامل»، للمیرد/ ۱۱۴۵، «الاتقان»، ج ۲/ ۶۷.
۱۹. «الأعجاز الیسانی للقرآن و مسائل ابن الازرق»، الدكتورہ عائشہ عبدالرحمن بنت الشاطی، دارالمعارف، مصر.
۲۰. «مسائل نافع بن الأزرق عن عبد الله بن عباس»، من طریقین: روایة أبی بکر أحمد بن جعفر بن محمد بن سلم الختلی (م ۳۶۵هـ)، روایة أبی طاهر محمد بن علی بن محمد بن یوسف بن العلاف (م ۴۴۲هـ) حقیقہا و علّق علیها و وضع فہارسها و ذیلها ب «ذیل مسائل نافع» التي لم ترد فی هذه الروایة الدكتور، محمد احمد الدالی، الجفان والجبای للطباعة والنشر، ۱۴۱۳.
۲۱. «لغات القبائل الوارده فی القرآن الکریم»، لأبی عبید القاسم بن سلام (م ۲۲۴) روایة عن الصحابی الجلیل ابن عباس، شرح و تعلیق و تحقیق: الدكتور، عبدالحمید السید طلب، مطبوعات جامعة الكويت/ ۱۴۰۴.
۲۲. ر. ک: «المعجم العربی نشأته و تطوره» / ۳۳.
۲۳. یحیی بن یعمر عدوانی از قاریان معروف بصره از شاگردان برجسته ابوالاسود دوثلی است. او را آگاه به فقه، حدیث و لغت دانسته اند، و برخی بر این باورند که وی اوکین کسی است که قرآن را نقطه گذاری کرده است. ر. ک: «وفیات الأعیان»، ج ۶/ ۱۷۳؛ «غایة النهایه»، ج ۲/ ۳۸۰؛ «نزہة الألباء» / ۱۹؛ «بغیة الوعاة»، ج ۲/ ۳۴۵؛ «الأعلام»، ج ۸/ ۱۷۷.
۲۴. «مقدمتان فی علوم القرآن» / ۲۷۵؛ «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۲۲۲؛ «القراءات القرآنیة» / ۲۷.
۲۵. «الفهرست» / ۴۰؛ «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۷۲؛ «تفسیر حسن البصری»، (مقدمه) ج ۱/ ۴۳.
۲۶. ابونعیم، عبدالله بن عامر یحصبی دمشقی (م ۱۱۸) از قرآء سبعة و سالها قاضی و پیشوای دینی دمشق بوده است. او را معمرترین قراء سبعة شمرده و جایگاه وی را در قرائت ستوده اند. ر. ک: «الفهرست» / ۳۱؛ «التاریخ الصغیر»، ج ۱/ ۱۰۰؛ «الجرح والتعدیل»، ج ۵/ ۱۲۲؛ «مختصر تاریخ دمشق»، ج ۱۲/ ۲۹۱؛ «سیر اعلام النبلاء»، ج ۵/ ۱۳۸؛ «پژوهش در تاریخ قرآن کریم» / ۳۴۷.
۲۷. «الفهرست» / ۳۹، «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۲۵.
۲۸. «الحوار العین» / ۱۸۶.
۲۹. «الفهرست»، للطوسی / ۱۴۰.
۳۰. بنگرید به: «تفسیر الشہید زید بن علی»، (مقدمه) / ۳۶، تحقیق، حسن محمد تقی حکیم.
۳۱. «تفسیر الشہید زید بن علی»، المسمی «تفسیر غریب القرآن»، تحقیق، حسن محمد تقی حکیم (مقدمه) ۱۳-۱۴ ممکن است استدلال جناب حکیم پذیرفتنی نباشد. درست است که ابان به سال ۱۴۱ زندگی را بدرود گفته است، اما او از اصحاب حضرت باقر (ع) (م ۱۱۴) بوده است و در آن روزگار در مرتبتی از دانش بود که امام (ع) می فرمود: اجلس فی المدینہ و أفت الناس فسانی أحبّ أن یری فی شیععتی مثلک (الفهرست / ۱۷، رجال النجاشی / ۱۰) بنابراین کسی که قبل از سال ۱۱۴ در جایگاهی از دانش است که می تواند فتوی دهد، بعید نیست که کتابی در «غریب القرآن» تدوین کرده باشد. بویژه اگر به این نکته توجه کنیم که آنان ابتداء قرآن و لغت می آموختند و سپس فقه را. (یادآوری دوست دانشورم حضرت استاد سید محمد رضا جلالی حسینی) ضبط تاریخ شهادت به سال ۱۲۰ نیز گویا دقیق نیست.

۳۲. الف: «تفسیر الشهد زید بن علی»، المسمی «تفسیر غریب القرآن»، دراسة و تحقیق، الدكتور محمد تقی حکیم، بیروت، الدار العالمیه، ۱۴۱۲.
- ب: «تفسیر غریب القرآن»، المنسوب الی الامام الشهد زید بن علی، تحقیق محمد جواد الحسینی الجلالی، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴.
۳۳. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱/ ۲۷۳، دار المعرفه، (پانوشت).
۳۴. «البرهان فی علوم القرآن»، ج ۲/ ۱۵۳ (پانوشت) برای آگاهی از جایگاه ابن شهاب در علوم قرآن ر. ک: «الامام الزهری و اثره فی السنه»/ ۱۶۵، حارث سلیمان الضاری.
۳۵. «ناسخ القرآن و منسوخه»/ ۱۰۲، ابن الجوزی، تحقیق: حسین سلیم أسد الدارانی/ ۱۰۲ و نیز ر. ک: «البرهان فی علوم القرآن» ج ۲/ ۱۵۴ (پانوشت).
۳۶. «طبقات المفسرین»، ج ۱/ ۳۸۵، «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۷۹، مسئله ناسخ و منسوخ از دیرباز دلمشغولی بسیاری از قرآن پژوهان بوده است؛ از این روی در این باره فراوان کتاب نگاشته اند، برای آگاهی از کتابشناسی ناسخ و منسوخ ر. ک: «البرهان فی علوم القرآن»/ ۱۵۸-۱۵۱ (پانوشت).
۳۷. «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۷۹.
۳۸. «الفهرست»/ ۱۷، چاپ نجف؛ ص ۶ چاپ مشهد.
۳۹. «رجال النجاشی»/ ۱۰ و نیز بنگرید: «معجم الأدباء»، ج ۱/ ۱۰۸.
۴۰. «معجم الأدباء»، ج ۱/ ۱۰۸؛ «غایة النهایه»، ج ۱/ ۴؛ «بغیة الوعاة»، ج ۱/ ۴۰۴، «تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال»، ج ۱/ ۲۱۲ به بعد؛ «معجم الأوائل فی تاریخ العرب و المسلمین»/ ۱۴۲.
۴۱. «الفهرست»/ ۲۷۶، چاپ رضا تجدّد.
۴۲. «الفهرست»/ ۴۰۱، «الوافی بالوفیات»، ج ۳/ ۸۳، «البرهان فی علوم القرآن»، ج ۲/ ۱۲۸ (پانوشت).
۴۳. «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۸۶، «الأشباه و النظائر فی القرآن الکریم»/ ۸۰ (مقدمه).
۴۴. «الأشباه و النظائر فی القرآن الکریم»/ ۸۱ (مقدمه).
۴۵. «الأشباه و النظائر فی القرآن الکریم»، لمقاتل بن سلیمان البلخی، دراسة و تحقیق، عبدالله محمود شحاته، الهيئة العامه للکتاب المصریه، ۱۳۹۵.
۴۶. در نام، تاریخ تولد و وفات وی اختلاف است، ذهبی می گوید، مشهورترین نام وی «زبان» است که صحیح ترین نیز هست «سیر اعلام النبلاء»، ج ۶/ ۴۰۷، «معرفة قراء الکبار»، ج ۱/ ۱۰۰.
۴۷. «الفهرست»/ ۳۸؛ «البرهان فی علوم القرآن»، ج ۱/ ۴۹۴ (پانوشت).
۴۸. «الفهرست»/ ۳۲ و ۳۹؛ «تاریخ التراث العربی»، ج ۱/ ۳۲؛ «تأسیس الشیعه»/ ۳۴۷.
۴۹. «رجال الطوسی»/ ۱۷۷؛ «تأسیس الشیعه»/ ۳۴۷؛ «سفینة البحار»/ ۳۳۷.
۵۰. «الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم»، هارون بن موسی القارء، تحقیق: حاتم صالح الضامن، وزارة الثقافة و الاعلام، دائرة الآثار و التراث، بغداد، ۱۴۰۹.
۵۱. «الفهرست»/ ۷۲؛ «بغیة الوعاة»؛ ج ۲/ ۱۶۴؛ «البرهان فی علوم القرآن»، ج ۱/ ۱۹۱ (پانوشت)؛ کتاب «ما اشبه ...» کسائی، درباره وجوه و نظائر است، در توضیح وجوه و نظائر برای آگاهی از آثار فراوانی که در این باره نگاشته شده است ر. ک: «البرهان فی علوم القرآن»، ج ۱/ ۱۹۰ به بعد (متن و پانوشت).